

# هنرهای ایرانی در مغرب زمین اسلامی، شمال آفریقا

دکتر نورالدین آل علی  
رایزن فرهنگی منطقه‌ای در شمال آفریقا



محمد راسم در روزگار جوانی

آشنائی ملل مغرب زمین اسلامی با فرهنگ و تمدن ایرانی سابقه و امتدادی طولانی دارد. قرن‌ها پیش از میلاد مسیح «کارتاژ» پایتخت فنیقیان شمال آفریقا با شوش پایتخت شاهنشاهی هخامنشی در تماس و ارتباط بوده است.

در سال ۴۹۸ قبل از میلاد مسیح کارتازیان برای سرکوبی شورش ضد ایرانی و تجزیه‌خواهانه یونانیان آسیای صغرا و جزائر سارد و قبرص، کشتیهای جنگی خود را در اختیار داریوش گذارده و کشتیهای ایرانی را نیز در بندر «کارتاژ» تعمیر می‌نمودند. تجهیزات و ساز و برگ نظامی لشکر ایران نیز در این بندر تأمین و تعهد می‌شد؛ طبیعی است که متقابلاً شاهنشاهی هخامنشی نیز از «کارتاژ» در مقابل رقبای سخت‌کوش او برای بدست آوردن جزائر سوق الجیشی «مدیترانه» بویژه سیسیل حمایت می‌کرده است.

این روابط و تماسها در دوره اسلامی توسعه یافته است. آمدن عناصر و خاندانهای ایرانی به شمال آفریقا و آندلس و استقرار در این منطقه سبب گردیده است که بسیاری از عادات و آداب و هنرهای ایرانی نیز به این سرزمین منتقل گردد. ذکر چند رویداد زیر بر حسب مثال و نه محصر میتواند نمایانگر ارتباطات و تماسها باشد.

الف - در سال ۱۴۳ هـ «ابوجعفر منصور» خلیفه عباسی «محمد ابن اشعث خزاعی» فرمانده لشکر عباسیان در خراسان را برای سرکوبی شورشیان مغرب زمین اسلامی و بازگرداندن آن بحوزه نفوذ «عباسیان» مأمور «افریقیا» نمود.<sup>۲</sup> محمد ابن اشعث بالشکری مرکب از سی هزار از مردم خراسان و شست هزار از مردم بصره و کوفه و شام در تاریخ جمادی الاولی ۱۴۴ هـ وارد قیروان شد.<sup>۳</sup>

ایرانیان لشکر عباسی در منطقه توزیع شده و برای همیشه در این سرزمین مستقر شدند بعدها در سال ۲۴۴ هـ ابن واضح مورخ و جغرافیدان و رحاله بزرگ محله‌ها و مجتمعات ایرانی را در شهرهای «زویله»، «قابس»، «قیروان»، «جربه»، «باجه»، «مجان» و «اقلیم زاب» دیده و توصیف کرده است.<sup>۴</sup> ب - در سال ۱۴۸ هـ عبدالرحمن پور رستم «تاهرت» پایتخت دولت ایرانی نژاد رستمیان را در قسمت غربی الجزائر تأسیس نمود و تاهرت دولت عبیدی (فاطمیان) ۲۹۶ هـ بر قسمت عمده الجزائر و تونس و لیبی امروز حکومت کردند.<sup>۵</sup> ارتباط مداوم پایتخت دولت رستمیان و یا سایر مراکز حکومت در شمال آفریقا و آندلس با پایتخت عباسیان و مشرق زمین اسلامی موجب گردید که بسیاری از دانشمندان و هنرمندان و یا تألیفات شرق و غرب مبادله شود.

کوشش و فعالیت مکتب هنری او در شمال آفریقا همچنان در حال توسعه و مورد توجه است .

محمد راسم فرزند برومند الجزائر همانقدر که در يك قرن گذشته برای الجزائر کسب افتخار و شهرت نموده برای ایران و هنر ایرانی نیز وجودش موجب افتخار و احترام است و بهمین دلیل است که در سال ۱۹۶۶ از طرف وزارت فرهنگ و هنر از او برای بازدید ایران سرزمینی که به آن و هنرش عشق می‌ورزد دعوت بعمل آمد، ولی متأسفانه کهولت و وضع مزاجی او مانع این سفر گردید .

### خاندان «راسم» و هنر مینیاتور ایرانی در شمال آفریقا

محمد راسم بزرگترین هنرمند و نقاش مینیاتور معاصر الجزائری بازمانده‌ی خاندانی است که هر يك در زمان خود هنرمندی بزرگ و استادی برجسته بویژه در رشته مینیاتور بوده‌اند و نام خانوادگی آنان (راسم : نقاش) نیز گواه هنر و حرفه موروثی آنان است .

#### دودمان «راسم»

جد اعلای راسم هنرمند معاصر محمد راسم هم نام اوست که در سال ۱۱۷۳ هـ در استانبول زندگی میکرد و استاد منبت کار و نقاش مینیاتور و تذهیب و شنگرف کاری بوده است . از شاگردان برجسته او از هنرمند و خوشنویسی بنام «مصطفی المعروف» اطلاع داریم و قرآنی بخط نسخ بسیار زیبا و به تذهیب و شنگرف آراسته شده در دست است.<sup>۸</sup>

فرزند ارشد محمد راسم «سعید علی» در اواخر قرن هیجدهم میلادی که همچنان ترکان عثمانی بر قسمت عمده شمال آفریقا حکم می‌راندند، از استانبول به الجزائر آمده و در شهر «بجایه»<sup>۹</sup> رحل اقامت می‌افکند، و به کار نقاشی و منبت کاری و تذهیب و تجلید قرآن مشغول می‌شود . بدست او جمعی که در رأس آنان دو فرزندش علی و محمد راسم باشند تربیت شده و هنر آموخته‌اند .

علی و محمد راسم که کار و حرفه پدر را دنبال میکردند به دنبال موقعیت و شهرتی که بدست آورده بودند از «بجایه» به شهر الجزیره والی نشین بزرگ منطقه منتقل شدند و در محله قصبه با تأسیس کارگاهی کار پدر را با هنر نقاشی و تصویر اشخاص دنبال نمودند .

کارگاه این دو هنرمند در «قصبه» گذرگاه بزرگان و شخصیت‌های الجزائر شده، و آثار هنری آنان از تابلوهای مینیاتور و شیشه‌های رنگ آمیزی شده و ظروف مسی و برنجی کنده کاری شده و صندوقهای منبت کاری و نقاشی شده و نیز



استاد محمد راسم و همسرش در آخرین روزهای زندگانی

#### زریاب

ج - آمدن «ابوالحسن علی ابن نافع زریاب» موسیقیدان و هنرمند ایرانی نژاد در سال ۲۰۶ هـ به «قبروان» و سپس «آندلس» (جنوب اسپانیا) یکی دیگر از عوامل مؤثر انتقال موسیقی، هنرهای تزئینی و فن طباطبی شرقی به این منطقه و آندلس گردیده است.<sup>۶</sup>

با توجه به نکات یاد شده است که اگر بحث و تحقیقی علمی و دور از تعصب برای یافتن آثار هنر و فرهنگ ایرانی و نیز بازبانی ریشه‌ها و عناصر مختلف هنرهای موجود در این منطقه شروع شود ارتباط و همبستگی بسیاری از فنون از موسیقی تا فن معماری و هنرهای تزئینی و مینیاتور با هنرهای مشابه ایرانی روشن و آشکار خواهد شد .

استاد هنرشناس فرانسوی جورج هارسه اشاع هنر ایرانی را تا آندلس و با ارتباط فنون اسلامی از ایران و مصر تا آندلس را خوب دریافته و در تحقیقات علمی خود بازگو کرده است.<sup>۷</sup> یادداشتهای زیر کوششی در راه شناخت و معرفی زندگانی هنری و آثار استادی است بزرگ که خود را پیرو مکتب هنر مینیاتور ایرانی و شاگرد مدرسه بهزاد و آقا میرک میدانند و دایره

طلاکاریهای آنان همچنان در منازل خانواده‌های اصیل و اشراف الجزائری نگهداری می‌شود.

از علی بن سعید راسم دو پسر به نام عمر و محمد بازماند که هر دو در کارگاه هنری «قصه» و بر دست پدر تربیت یافتند.

### هنرمند انقلابی

عمر راسم برادر بزرگتر نقاشی را با هنر خوشنویسی توأم نموده بیشتر به کار خطاطی می‌پرداخت. از آثار هنری او تعدادی کتاب دست‌نویس با حواشی تزیین‌شده و دیباچه تذهیب گردیده در دست است.

ارتباط مداوم عمر راسم با طبقه کتاب‌خوان و تحصیل‌کرده‌های مسلمان الجزائری او را سخت تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و معتقد به شخصیت ملی و مستقل الجزائری در مقابل فرانسویان نموده کم‌کم ناشر افکار ناسیونالیست‌های استقلال‌طلب الجزائر شد.

عمر راسم برای بیداری هموطنان خود و مبارزه با استعمارگران بیگانه و دفاع از ذویان شخصیت الجزائری در دهه دوم قرن بیستم نشریه‌ای با خط خود بنام «ذوالفقار» (ذوالفقار نامی است که به مشیر حضرت علی داده شده است) و بصورت سنگی چاپ و منتشر می‌نمود.

انتشار «ذوالفقار» برای او و بسیاری از همفکران او در سرهایی بوجود آورد و نه تنها از انتشار آن جلوگیری شد بلکه ناشر آن عمر راسم را نیز روانه زندان نمود.

نقش و تأثیر این نشریه در بیداری مجتبع الجزائر آن زمان از نظر فرهنگی و اجتماعی و سیاسی چشمگیر و درخور بررسی است و از حوصله این مقال خارج است. آنچه از نشریه «ذوالفقار» در این مقام باید ذکر شود خط زیبای نسخ و مغربی تزیین‌شده عمر راسم است که معدود نسخ باقیمانده از این مجله در نزد برخی از الجزائریان آثار هنری این دانشمند و هنرمند مبارز را برای این ملت چون استاد گویای زنده بودن فرهنگ و ملیت مردم الجزائر محفوظ داشته است.

دولت الجزائر پس از استقلال برای قدرگذاری از این معلم هنرمند بزرگترین دبیرستان الجزائر و نیز یک خیابان را در شهر الجزیره به نام «عمر راسم» نامگذاری نموده است.

### محمد راسم نقاش مینیاتور معاصر

محمد راسم فرزند علی بن سعید در ۲۴ ژوئن ۱۸۹۶ در محله قصه الجزیره چشم بجهان گشود. از کودکی و قبل از پیوستن به هنرستان و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه الجزیره در کارگاه هنری پدر و عموی خود در محله قصه با قلم و نقش

ورنگ آمیزی دست‌بکار شد. موهبت فطری و ذوق هنری موروثی او در نزد این دو استاد برجسته و در کارگاه قصه شکوفا شد، و او خیلی زود با رموز هنر مینیاتور و ریزم کاریهای آن بویژه ترکیب رنگها و انتخاب مناسب آن و بالاخره هنر سنتی خاندان خود آشنا شد.

در مدرسه هنرهای زیبای الجزیره یک تصادف کوچک او را به سوی موفقیت و شهرت سوق داد.

آقای ریکار «Mr. Ricard» بازرس هنرهای محلی در بررسی دفترچه‌های نقاشی شاگردان هنرهای زیبا که برای نمایش در نمایشگاه بروکسل انتخاب شده بود، دفترچه نقاشی محمد راسم توجه او را سخت بخود معطوف میدارد.

ریکار از محمد راسم دعوت میکند که بعنوان همکار با او در تالار نقاشی مدرسه آموزش حرفه‌ای کار کند.<sup>۱</sup>

کار محمد راسم در این مرکز آموزش وابسته به دانشگاه الجزیره از سال ۱۹۱۰ آغاز گردید، و او بیشتر به تهیه نقشه قالی و گلدوزی و قلاب‌دوزی و نیز نقشهای حکاکی بر ظروف و سینی‌های فلزی و بالاخره کنده‌کاری بر تخته و منبت‌کاری مشغول شده و ادامه یافت. از کارهای او بصورت نمونه و مدل در این مرکز آموزشی و سایر مدارس الجزائر استفاده می‌شد. آفرینش هنری محمد راسم در این مرکز بنحوی که ذکر شد متنوع و در چند رشته از هنرهای زیبا بوده است.

- ۱ - دکتر احمد بهمنش: تاریخ قدیم یونان ج ۱ ص ۱۹۹ چاپ دانشگاه تهران.
- ۲ - ابن عذاری مراکشی: البیان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب ج ۱ ص ۷۲ (چاپ پاریس ۱۹۴۸).
- ۳ - رفیق قیروانی: تاریخ افریقیة والمغرب تحقیق منجی اللمعی ص ۱۹۱ چاپ تونس ۱۹۶۸.
- ۴ - ابن واضح: صفاء المغرب ترجمه و تحقیق دی‌خویه چاپ بریل لیدن ۱۸۶۰ م.
- ۵ - تاریخ دولت رستمیان تألیف اینجانب بزودی منتشر خواهد شد.
- ۶ - لوی پروسال: حضارة العرب فی الاندلس ترجمه: ذوقان قرقوط ص ۴۹ چاپ بیروت بی‌تاریخ و نیز مقالات اینجانب در مجلات «الشعب» (الجزائر) مورخ ۱۴ مه ۱۹۷۲ «والعمل» (تونس) ۱۰ ژوئن ۱۹۷۲ مراجعه شود.

7 - Georges Marçais — L'Art Musulman, P.U.F Paris, 1962.

- ۸ - این قرآن دست‌نویس همچنان نزد استاد محمد راسم در الجزیره نگهداری می‌شود و من خود از نزدیک دیده‌ام.
- ۹ - «بجابه» (Bedjaia) شهر تاریخی و ساحلی که با پایتخت «الجزیره» ۲۴۰ کیلومتر بطرف خاور فاصله دارد. فرانسویان به آن «Bougie» نام داده بودند.

10 - L.E. Angéli: L'Art de la miniature et Mohammed Racim R. Algeria Noël 1954 p. 46.

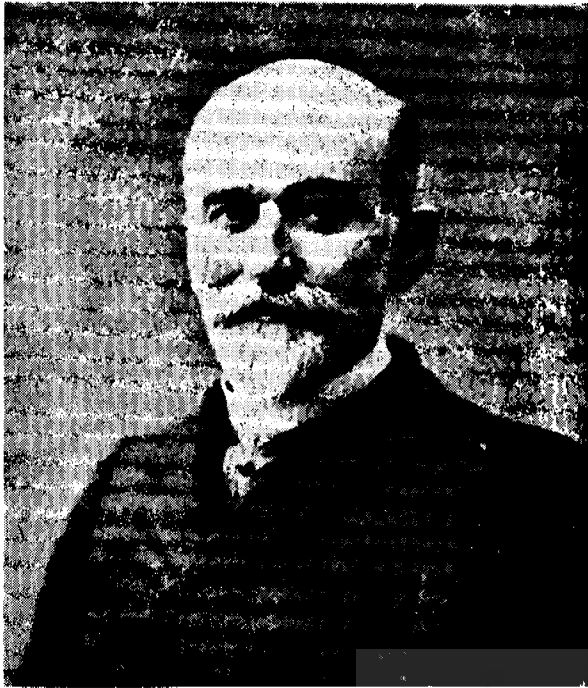


شکارگاه اثر استاد راسم (اقتباس از کتاب «محمد راسم» تألیف احمد باغی)

محمد راسم و مینیاتور ایرانی

روزی بر حسب تصادف کتاب «سه ماه در (عرصه) خراسان»  
تألیف هانری دآلماین<sup>۱۱</sup> به دست او می‌افتد و به دقت تابلوها  
و مطالب آن مورد مطالعه و توجه او قرار می‌گیرد.  
هنرمند ها که تا این تاریخ غیر مستقیم تحت تأثیر هنر  
ایرانی بوده و در مدرسه قصبه بانقاشی مینیاتور آشنا شده بود،

تصادف دیگری موجب گردید که هنرمند جوان تمام  
موهبت‌های خود را صرف تکمیل و انتشار هنر مینیاتور ایرانی  
نماید.



دینه (ناصرالدین) Dinet

قرن پیش تا هم اکنون بزرگترین مدرسه علوم اسلامی در الجزایر در نزدیکی این شهر برکنار مزار عارفی بزرگ (قاسمی) برپاست. دینه مجذوب این شهر و صفا و گرمی استقبال مردم آن میگردد. برخورد او با سلیمان بن ابراهیم (شکل شماره ۵) عارف و شاعر بی‌آلایش بوسعادة او را بیشتر به اقامت در این شهر دل بسته میکند. دینه نقاش تازک بین و حساس طبع فرانسوی در معاشرت مداوم با صوفی و عارف یاد شده به اسلام می‌گردد و نام «ناصرالدین» را برای خود انتخاب می‌کند، و با کمک مرشد خود به فهم و درک فلسفه و عرفان اسلامی می‌پردازد. دینه سلیمان بن ابراهیم را ناجی خود میداند و کتابهایی را که درباره زندگی پیامبر و یا اسلام تألیف نموده بیشتر با همکاری و کمک

11 - Hanri d'Allemagne: "Trois mois à travers le Khorassan".

۱۲ - جورج مارسه می‌نویسد بورس تحصیلی "Bourse Hispano-Mauresque" تا بحال کمتر به مورد استحقاقی و صحیح خود چون این بار تعلق گرفته بود

G. Marçais Mohammed Racim et la renaissance de la miniature-documents Algériens No. 5 — 30 juin 1946.

13 - Georges Marçais — La vie Musulman d'hier vue par Mohammed Racim Alger. 1960 p. 31.

برای اولین بار تابلوهای مینیاتور ایرانی را آنهم با شرح و تفسیری از استادی چون هانری دآلماین می‌بیند. پایافتن این کتاب محمد راسم گوئی استاد و راهنما و یا گم‌شده خود را می‌یابد، جاذبه ظرافت هنر مینیاتور ایرانی در فکر و روح این هنرمند تا آن حد بود که او پس از این تاریخ تمام وقت و کار خود را به این رشته اختصاص داده و به نقاشی مینیاتور ادامه می‌دهد.

تأثیر تابلوهای مینیاتور ایرانی در کار و روش بیزانطینی او که از پدر و عموی خود به ارث و تعلیم فرا گرفته بود غالب آمده از این پس رنگ و نقش تابلوهای او کاملاً تحت تأثیر فن ایرانی قرار می‌گیرد، و گاهی نیز متیفهای ایرانی را به تقلید می‌کند (شکل شماره ۳).

### راسم و مجموعه‌های هنری ایران در لندن

عشق و علاقه به مینیاتور ایرانی محمد راسم را کمی دیرتر به لندن می‌کشاند و در اینجا است که او موفق می‌شود بهترین مجموعه‌های مینیاتور استادان بزرگ ایرانی این فن از قبیل کمال‌الدین بهزاد، آقا میرک، سلطان محمد و رضا عباسی... را از نزدیک ببیند و از آنها برای تکمیل اطلاعات خود بهره‌ها ببرد.

از این تاریخ است که محمد راسم با ایمانی راسخ در صدد برمی‌آید با ساختن تابلوهای گذشته فرهنگی و هنری این سرزمین را به یاد آورد و افتخارات گذشته و عصر طلائی تاریخ تمدن مغرب زمین و آندلس را برای مردم تصویر کرده و زنده نگهدارد.<sup>۱۳</sup>

این کار از آرزوهای این هنرمند مسلمان است و به آسانی میتوان نشانه‌های این فکر را در آثار استاد راسم یافت و احساس کرد.

### محمد راسم و «دینه» نقاش فرانسوی

پیش از ذکر همکاریهای هنری محمد راسم و «دینه» بی‌مناسبت نیست بیوگرافی مختصری از دینه نقاش و هنرمند پر قدرت فرانسوی که مجذوب فکر و هنر شرقی بوده است در اینجا آورده شود.

اتی‌بن دینه "Etienne Dinet" (شکل شماره ۴) در سال ۱۸۶۱ در پاریس به دنیا آمد. تحصیلات خود را در پاریس پایتخت هنر و فرهنگ اروپا به پایان برد، سپس به الجزایر آمده و دست تقدیر او را به شهر «بوسعادة» (پدر خوشبختی) و یا دروازه صحرا کشاند. این شهر که من خود دوبار به آن مسافرت نمودم صفا و روحانیتی قابل درک و نه قابل وصف دارد و از سه

این عارف الجزائری بوده است .  
دینه پس از مسلمان شدن از دید فرانسویان متعصب مردی  
بی مبالا، درویش، منحرف و گاهی انقلابی معرفی شده  
است<sup>۱۴</sup> اما هیچیک از این انتقادات از ایمان و عزم راسخ او  
در تبلیغ اسلام نکاست و این گفته اوست: «ایمان بدون تحرك  
و جنبش آیا ایمانی صادقانه است؟»

دینه پس از سفر به مکه آخرین تألیف خود را تحت عنوان  
«حج خانه مقدس خدا Pélerinage à la maison sacrée  
d'Allah» در پاریس آماده چاپ نمود ولی عمرش وفا ننمود  
که صدور و انتشار این کتاب را ببیند .

ناصرالدین دینه در سال ۱۹۲۹ در خانه پدری خود در  
پاریس چشم از جهان بر بست و بنا بر وصیت او خواهرش کالبد  
اورا بشهر عشقش «بوسعاده» حمل کرد و در آن شهر بخاک  
سپرد. مزار دینه در این شهر همچنان برپاست و یکی از خیا بانهای  
«بوسعاده» نیز نام دینه را دارد. (شکل های شماره ۶-۷-۸)

۱ - قرآن ترجمه فرانز توسن  
"Le Koran de Franz Toussaint"

۲ - بوستان سعدی  
"Boustân de Saâdi"

۳ - اسلام زیر خاکستر  
"L'Islam sous la cendre" de Henri Heine

۴ - باربروس "Barberousse" (خیرالدین باربروس  
و دلاور ترك نژاد الجزائری)

۵ - عمر خیام با ترجمه انگلیسی براون  
"Omar Kayyam" de R. G. Brown

۶ - ترانه های کاروان: س. اودیان  
Les chants de la Carvane des Oudiane

۷ - بعدها در ۱۹۵۷ با مستشرق و هنرشناس شهیر جورج  
مارسه کتاب: «زندگی اسلامی گذشته» ترسیم و پرداخته نمود  
که بوسیله "Edition des Arts et Métiers Graphiques"

در ۱۹۶۰ در پاریس بطبع رسیده است .

کتابهای یاد شده یکی پس از دیگری با کارهای تزیینی  
محمد راسم منتشر می شود .

در این هنگام مؤسسه پیازا برای کار هنری بزرگ  
و ارزنده دیگری که تزیین و نقاشی ترجمه فرانسوی کتاب  
«هزار و یک شب» باشد با محمد راسم قرارداد ای امضا میکند .

مسافرت به فرانسه

محمد راسم پس از چهارده سال کار هنری در تالار نقاشی  
مرکز آموزش حرفه ای وابسته به دانشگاه الجزیره تقاضای  
مرخصی غیر محدود می کند و برای ادامه کارهای هنری و نیز  
انجام قرارداد پیازا به پاریس می آید .

کار هنری و تابلوسازی داستان هزار و یک شب ترجمه  
دکتر ماردروس "Mille et Une Nuits": Docteur Mardrus

با علاقمندی و پشتکار محمد راسم دنبال می شود، و او برای  
هر جلد از دوازده جلد این کتاب قریب صد تابلو ترسیم و نقاشی  
می کند و کار تکمیل این هزار و یک تابلو هشت سال وقت او را  
میگیرد . در این فاصله زمان و فرصت اقامت در پاریس است که  
او موفق می شود به کتابخانه ها و موزه ها و مراکز هنری راه یابد.  
با کمک آقای بلوشه "Blochet" کتابدار کتابخانه ملی

۱۴ - C.M. Robert: Dinet Nacer ed-din peintre  
Musulman Français. Algérie juin 1950 p. 48.

۱۵ - "Vie Musulmane d'hier".

۱۶ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۱۷ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۱۸ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۱۹ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۲۰ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۲۱ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۲۲ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۲۳ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۲۴ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۲۵ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۲۶ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۲۷ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۲۸ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۲۹ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۳۰ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۳۱ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۳۲ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۳۳ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۳۴ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۳۵ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۳۶ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۳۷ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۳۸ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"

۳۹ - "Khadra danseuse Ouled Naïl"

۴۰ - "La Vie de Mohammad Prophète d'Allah"



سليمان بن ابراهيم شاعر وعارف الجزائري (اقتباس از مجله Algeria )

## شهر عشق

جاذبه سوئد بیش از سایر کشورها بوده و او بار دیگر به این کشور سفر میکند ولی این بار با شریک زندگی و همسر خود باز میگردد.

## بازتاب فعالیت‌های هنری محمد راسم در مطبوعات و مجامع هنری

پس از تنظیم نمایشگاه‌های مختلف، دانشمندان و ناقدان هنرشناس و مجلات هنری و ادبی از این هنرمند بعنوان پر قدرترین و دقیقترین مینیاتورریست و بلکه مجد و هنر مینیاتور نام می‌برند.

محقق و خاورشناس شهیر جورج مارسه "G. Marçais" اولین بار در ۱۹۳۹ در مجله هنرهای زیبا "Gazette des Beaux-Arts" در معرفی محمد راسم چنین نوشت: «او هنرمندی است پر قدرت که بار دیگر درهای کاخهای پر شکوه و حیرت انگیز را گشوده و باغها و گلستانهارا شکوفا و فواره‌های حوضهای مرمرین را باز نموده است.»

سپس در ۱۹۴۶ در مقاله مستقل دیگری تحت عنوان محمد راسم و رنسانس مینیاتور Mohammed RACIM et la renaissance de la miniature در نشریه رسمی الجزائر به معرفی سبک و هنر مینیاتور محمد راسم و تأثیر مکتب ایرانی در کار او پرداخته است.

(Documents Algériens No. 5-30 juin 1946)

و بالاخره این دانشمند هنرشناس از محمد راسم خواست که با قلم خود زندگی گذشته مسلمانان را ترسیم نماید که با شرح و تحقیقات بسیار ارزنده مارسه در ۱۹۶۰ در پاریس بطبع رسیده است.

"Vie Musulman d'hier".

Edition des "Arts et Métiers graphiques" Paris 1960.

فراتر توسن "Franz Toussain" (مترجم قرآن به زبان فرانسه) نوشت: «از زمانی که من تابلوهای مینیاتور محمد راسم را دیده‌ام، برآز میان رفتن کتابهای خطی مذهب و تزئین شده گنجینه المنتصر بالله (خلیفه فاطمی - مصر) کمتر افسوس میخورم... و چه ظرافت، و چه حرکت و نرمش و لطفی... قلم هیچ هنرمندی نتوانسته یک صفحه از قرآن را با این ظرافت و هم‌آهنگی تزئین و خطاطی کند... شگفتی خود نوعی خوشبختی است، و من از محمد راسم سپاسگزارم که موجب مسرت عمیق و خوشبختی من شد.»

کامی موکلر "Camille Mauclair" در فیگارو "Le Figaro" چنین نوشت: «محمد راسم زنده بازمانده نقاشان شرقی است که با ذوق و قدرت و لطف و بینش و شکیبایی که امروزه

در پاریس موفق می‌شود کتابهای خطی فارسی موجود در این کتابخانه را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهد.

آقایان وور "Wever" و دمت "Demotte" دو کلکسیونر معروف نیز به او اجازه میدهند که مجموعه‌های هنری شرقی آنان را - تابلوها و اشیاء عتیقه - از نزدیک بازدید نماید.

در آمدی که از همکاری با مؤسسه پیازا نصیب هنرمند می‌شد به او اجازه می‌داد که همه ساله در تعطیلات خود به پایتختهای مختلف سفر نموده و از آثار هنری گوناگون مطلع شود.

در همین فاصله است که به لندن رفته و با کمک سر دنیسون روس "Sir Denison Ross" از مجموعه‌های مینیاتور ایرانی موجود در لندن با مطالعه و بررسی بهره‌ها گرفته و استفاده نموده است.

## آقا خان محلاتی و محمد راسم

انتشار آثار هنری محمد راسم توجه پرنس آقاخان محلاتی را به او معطوف داشته و پرنس در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۲۴ با ارسال دعوتنامه‌ای از راسم می‌خواهد که برای تدریس هنر مینیاتور در انستیتوی سلطنتی کلکته The Principal Imperial Institute Calcutta به هزینه او به هند سفر نماید<sup>۱۶</sup> کارهای هنری و تعهدات او در پاریس مانع این سفر شد و بعدها استاد راسم از نرفتن به شرق تأسف میخورد.

## دوره شهرت و کسب افتخار

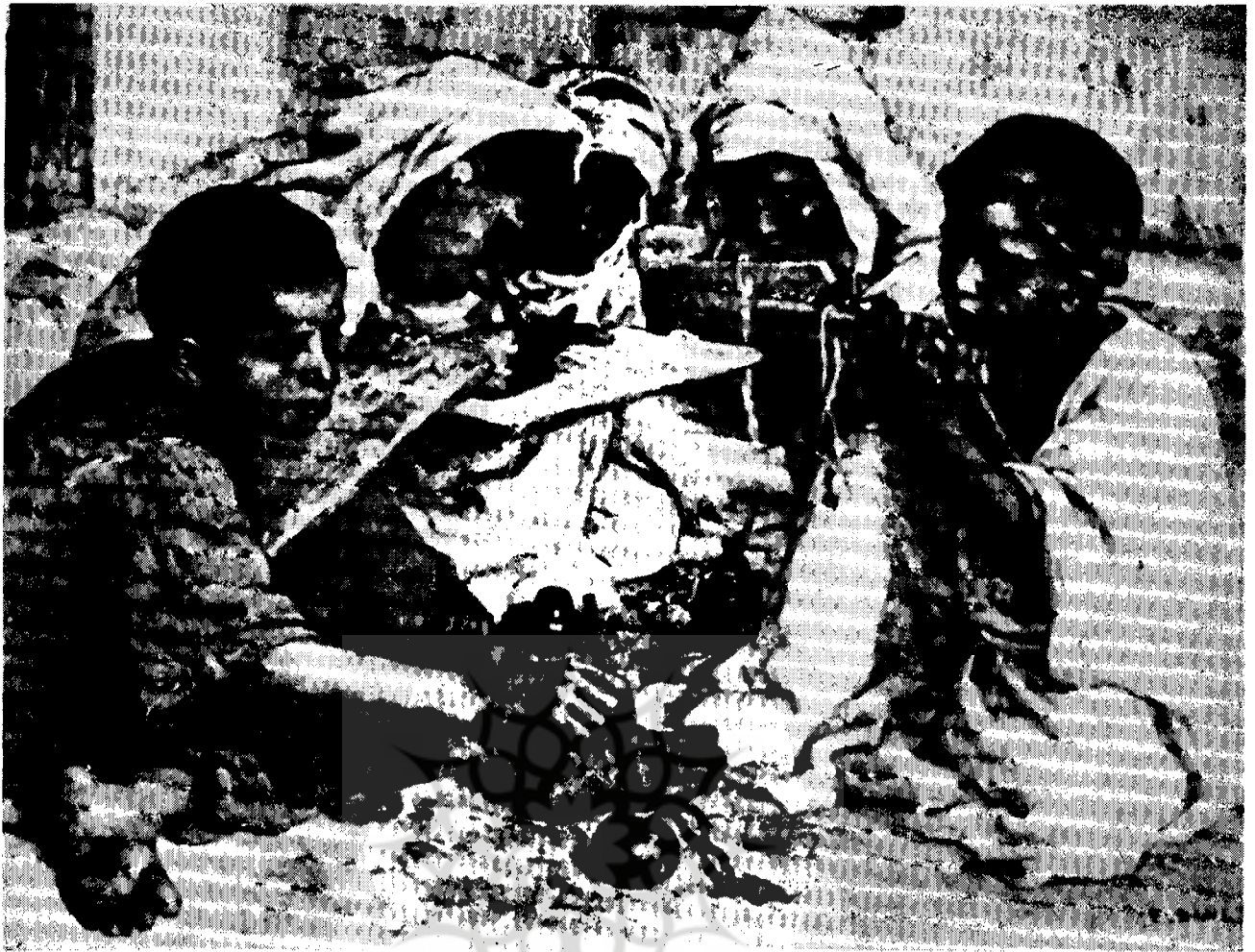
ضمن هشت سال اقامت در پاریس و اروپا و پس از سالها مطالعه و کوشش و صدها قطعه مینیاتور ساخته شده نام محمد راسم در میان هنرمندان و هنرشناسان فرانسوی و اروپایی بعنوان مجد و هنر مینیاتور ایرانی شهرتی کسب کرده و تابلوهای او کم کم در نمایشگاههای هنری برای خود جایی باز کرده بود.

- محمد راسم برای اولین بار در موزه گالی برآ "Musée Galiera" در پاریس نمایشگاهی از آثار خود ترتیب داد که با استقبال غیرمنتظره هنرشناسان و ناقدان هنری فرانسه روبرو شد.

- برگزاری دومین نمایشگاه آثار هنری او در تالار اکال "Galerie Ecale" و حسن استقبال مردم نشانه موفقیت و پیروزی او بود.

- اینک نوبت به پایتخت‌های بزرگ دیگر رسیده است محمد راسم در «قاهره، تونس، رم، وین، بخارست، ورشو، استکهلم و در اسلو و کینهاگ» نمایشگاههایی از تابلوهای مینیاتور خود ترتیب داد که در همه جا با حسن استقبال و تشویق روبرو شد.





در مکتب اثر دینه Dinet (اقتباس از مجله Algeria)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همپایه محمد راسم در شبه قاره هند وجود ندارد .»

ناقدان هنرشناس دیگری چون :

- لوی ژیله "Louis Gillet" عضو آکادمی فرانسه
- لوی اوژن آنژلی "Louis-Eugène Angeli"
- آندره سالمون "André Salmon"
- ریموند ل کویه "Raymond Lecuyer"
- لوی د لتس "Louis de Letece"
- کرسپین باروکان "Crespin Barrucand"
- ژ. س. مرسیه "G. S. Mercier"

نامانوس و غریب می نمایند کار خود را دنبال میکنند و باید به او تبریک گفت . . . .»

و اندرپیل "Vanderpyl" در ل پتی پاریزین "Le Petit Parisien" نوشت : «محمد راسم با قدرت و شایستگی و دانش فنی خود همانند و به روش استادان ایرانی گذشته آثار خود را ساخته و کار او در پختگی و اصالت غیر قابل بحث است.»

ر. ج. براون R. J. Brown در لیفر اکوز لندن "Life's Echoes" نوشت روش ایرانی غیر قابل تردید محمد راسم و تکنیک او قابل مقایسه با بزرگان ایرانی این فن است . استادان مدرسه هنرهای زیبا در بمبئی "Bombay" و لاهور "Lahore" و لارنو "Lurnow" پس از اطلاع بر آثار محمد راسم همگی اظهار و اعتراف نمودند که امروزه هنرمندی

۱۶ — متن دعوتنامه را در منزل استاد راسم دیده‌ام.

ل اکود پاری	"L'Echo de Paris"
گرنگوار	"Gringoire"
امی دو پویل	"Ami du Peuple"
لاروومدرن	"La Revue Moderne"
ل ژورنال وزارت	"Le Journal des Arts"
ل ادپش الجریین	"La dépêche Algérienne"
ل اکود الجیر	"L'echo d'Alger"
الجزائریة	"Algeria"

به اختصار و تفصیل آثار هنری و سبک ایرانی محمد راسم را معرفی و مقالاتی نوشتند .

### بازگشت به میهن

قرارداد محمد راسم با پیازا "Piazza" در سال ۱۹۳۲ همزمان با بحران کاغذ پایان می‌یابد و محمد راسم پس از هشت سال به وطن خود الجزائر باز میگردد .

اولین کار او در الجزیره تنظیم نمایشگاهی از آثار هنری و ره آورد این سفر طولانی بود که در مرکز سویرون "Soubiron" برپا گردید و موجب استقبال و دلگرمی هنر-جویان الجزائری شد . و از سال ۱۹۳۳ رسماً بعنوان استاد مینیاتور در مدرسه ملی هنرهای زیبای الجزائر وابسته به دانشگاه الجزیره به تدریس و تربیت دانشجویان هم‌میهن خود پرداخت . موقعیت و احترامی را که محمد راسم بدست آورده بود از یک سو و عشق و علاقه فراوان او به مینیاتور و ترویج این فن موجب گردید که عده‌ای از جوانان با ذوق و هنرجوی مدرسه هنرهای زیبا نیز مجذوب هنر مینیاتور و دنبال‌رو او شوند .

### شاگردان مکتب راسم

با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی سالهایی را که محمد راسم در مدرسه هنرهای زیبا به تدریس اشتغال داشته باید گفت که محمد راسم در ادای رسالت خود و تربیت تعداد معدودی دانشجویان با استعداد رنج و زحمت فراوان برده است . از بهترین شاگردان او که نقاشی مینیاتور را ادامه داده و به راه او ادامه میدهند یادشدگان زیراند :

۱ - محمد تمام فارغ التحصیل مدرسه هنرهای زیبا و استاد فعلی همین مدرسه و مدیر موزه آثار باستانی الجزائر که از سال ۱۹۳۲ بکار نقاشی مینیاتور مشغول است .  
چند تابلو از او در موزه‌های الجزائر نگهداری می‌شود .

۲ - بن دباغ

۳ - محمد امین

۴ - بشیر یلس

۵ - علی خوچه

۶ - غانم

هریک از یادشدگان بالا به فعالیت‌های هنری خود ادامه داده و گه‌گاه با تنظیم نمایشگاه‌های مختلف چه الجزائر و یا خارج آن آثار خود را بمعرض نمایش می‌گذارند .

پس از این عده نوبت به دوره دوم و یا فارغ التحصیلان اخیر مدرسه هنرهای زیبا می‌رسد که نام آنان ذیلاً درج میگردد:

۱ - بوبکر صحرایی که با بورس وزارت فرهنگ و هنر مدت دو سال در ایران هنر مینیاتور را نزد استادان ایرانی دنبال کرده است .

۲ - مصطفی اجعوط برنده جائزه بهترین نقاش مینیاتور سال ۱۹۷۲ الجزائر

۳ - مصطفی بلکجه

۴ - مقدانی

۵ - بو عورور

۶ - بغوی

هریک از نام‌برندگان در راه تحصیل و تکمیل هنر مینیاتور و مکتب «راسم» به کوشش خود همچنان ادامه میدهند . اخیراً وزارت فرهنگ و اطلاعات الجزائر در نمایشگاه آثار نقاشان معاصر الجزائری که در مراکش و تونس و موریتانیا و مالی به‌پا نمود آثاری از هنرمندان یادشده را نیز بنمایش گذارد .

### نشانه‌ها و مدال‌های محمد راسم

۱ - «راسم» هنرمند برجسته الجزائری در سال ۱۹۲۴

به پاس خدمات هنری خود و تجدید مکتب شرقی مینیاتور مدال خاورشناسی "Medaille des Orientalistes" را دریافت نمود .

۲ - در سال ۱۹۳۳ بزرگترین جایزه هنری الجزائر

"Grand prix artistique de l'Algérie" را از آن خود کرد .

۳ - و بالاخره در سال ۱۹۴۷ دولت فرانسه بزرگترین

نشان خود لژیون دهنور "Legion d'Honneur" را بعنوان

آموزش ملی به او اختصاص داده است .

۴ - و در سال ۱۹۵۰ انجمن سلطنتی مینیاتوریست‌ها و نقاشان

انگلستان محمد راسم را عضویت افتخاری این انجمن انتخاب

La "Société Royale d'Angleterre des miniaturistes et peintres"

کردند .

هیچیک از این نشانه‌ها و موفقیت‌ها از فروتنی و تواضع عالمانه

این هنرمند نکاسته و او همچنان دلبسته به مینیاتور و آفرینش

هنری خود است .

استاد محمد راسم پس از سالها تدریس و فعالیت هنری مدتی بعنوان مشاور وزیر تربیت ملی الجزائر، تشکیل انجمنها و راهنمایی هدایت هنرمندان جوان را بعهده داشت. سپس به سمت مشاور هنری وزیر فرهنگ و اطلاعات الجزائر انتخاب شده به راهنمای ارزنده هنری ورهبری کنکورها و مسابقات ادامه میدهد و مورد احترام و تقدیر شخص وزیر فرهنگ است. در دیداری از آقای دکتر احمد طالب ابراهیمی وزیر فرهنگ و اطلاعات الجزائر و اهداء کتابهایی را که خواسته بودند، ایشان متقابلاً کتاب مینیاتورهای محمد راسم را که وزارت فرهنگ بصورتی نفیس طبع رسانده بازکر این جمله: «این مجموعه برای من بسیار عزیز و گرانبها است» به من لطف کردند، و عکسهای این یادداشت از این مجموعه گرفته شده است.

## در مجلس استاد

در یکی از روزهای پائیز سال ۱۳۴۷ با تعیین وقت قبلی به منزل استاد محمد راسم در محله «الایبار» (در ارتفاعات اطراف شهر الجزیره) رفتم.

ویلاي مسکونی او بسیار ساده و دور از هر گونه تجملی بود، ولی ابزار و آلات رسم و نقاشی و تعداد تابلوهائی که همچنان از آنها در منزل نگهداری می شد و نیز کتابهای هنری به زبانهای مختلف تالار منزل را به کارگاه و یا موزه هنرهای زیبا تبدیل کرده بود.

با گرمی بسیار با من بسخن نشست و اظهار داشت مدتهاست مراوده و اختلاط با مردم را کنار گذاشته و در گوشه اترا و سلامت با خاطرات فعالیتهای هنری گذشته زنده دل و خسته تن روزگار میگذراند. او از اینکه مردم هنرشناس در اجتماع نو پدید آمده کشورش بسیار کم و انگشت شمارند رنج می برد، بالاخره پس از بازگودن دردلهها و آرزوها، شرح زندگی استاد را به تفصیل از زبان او شنیدم و در تحریر این مقاله از آن اطلاعات استفاده شد. آنگاه سخن از مینیاتور ایرانی و هنر استاد بمیان آمد. وجود چند تابلو از آثار هنری استاد در تالار منزل کار شرح و توصیف او را آسان و عملی میکرد.

در مقابل تابلوی بارباروس و تاریخ اسلام استاد از مکتبهای نقاشی مینیاتور در چین و ایران و بیزانطین نکتهها گفت. او روش بیزانطینی و همچنین مکاتب اروپائی را در نقاشی مینیاتور دنبالرو و متأثر از مکتبهای شرقی این فن میدانست.

درباره مقایسه هنر نقاشی مینیاتور در چین و ایران، استاد میگفت: «هنر چینی هر چند اصیل و ارجمند است ولی دارای ویژگیهای نامفرح و غم افزا است. رسوم چینی اغلب

محمد راسم هنرمند حساس طبع و میهن دوست الجزائر با آنکه در میان فرانسویان هنرشناس و هنر دوست زندگی کرده و با کمکهای مادی و مساعدت های معنوی آنان راه خود را بسوی اوج شهرت و افتخار گشوده است، از اسارت در دست فرانسویان نژادپرست و از دست رفتن استقلال سیاسی و شخصیت ملی و فرهنگی این سرزمین رنج می برده و با قلم خلاق خود کوشش نموده از ذویان شخصیت الجزائری و عادات و آداب و سنن ملی جلو گیری کند. او با ترسیم تابلوهایی از خانه ها، تالارها، نشست و برخاستها، مجالس اعیان و جشن و سرور ملی و مذهبی همچنان این ملت را با گذشته خود مرتبط نموده و مانع از میان رفتن سنن ملی و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی آن شده است.

فرانسویان حاکم بر الجزیره با تمام قدرت و باتوسعه آموزش فرانسوی کوشش نمودند میان این مردم و گذشته آنان و پیوندهای ملی و مذهبی و نیز ارتباط با سایر ملل عرب و یا مسلمان فاصله ایجاد نمایند، و الجزائریان را به فرانسوی بودن معتقد و پای بند نمایند، ولی در عین حال الجزائری را با قید و توصیف «فرانسوی مسلمان» هیچگاه با فرانسویان دیگر برابر و یکسان - لا اقل از نظر حقوق اجتماعی - نمیدانستند.

این شرایط سخت و اوضاع و احوال اجتماعی بر روحیه و طرز کار استاد راسم و همچنین بسیاری دیگر از الجزائریان تحصیل کرده اثر گذاشته است.

محمد راسم هنگامی که تابلوی خیرالدین بارباروس و نیروی دریائی او را میکشد در رنگ چهره، حرکت عضلات و سیمای مردانه آنان و در انتخاب رنگ زمینه گوئی خشم و غضب خود را از وضع موجود ترسیم میکند.

و آنگاه که محله قصبه و یا خانه های باکاشی تزیین شده الجزائر و یا مجالس عروسی و شادمانی و پای کوبیهای مهوریان بربری را (با چشم و ابرو و خصائص مینیاتور ایرانی) ترسیم میکند دل بستگی خود و افراد هم میهن خود را به آداب و سنن ملی و گذشته الجزائر آشکار میکند.

او تابلوی تاریخ اسلام خود را که پرده ای چند از معراج پیامبر را نیز بسبک و شیوه استادان ایرانی مینیاتور در ترسیم این موضوع دربر دارد گواه برایمان راسخ و ثبوت عقاید اسلامی در روحیه و فکر مردم این سرزمین قرار داده است.

راسم با قلم پر قدرت خود کوشش کرده است ارزش هنرهای اصیل ملی و اسلامی و بویژه مینیاتور ایرانی را به ثبوت رسانده در مقابل هنر نقاشی اروپائی و مکاتب آن هنر شرقی را از دید تمسخر و تحقیر آنان به مرحله پذیرش و اعجاب هنرشناسان اروپائی و منصفان فرانسوی برساند.



امامزاده اثر دینه Dinet (اقتباس از مجله Algeria)

## ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ندارد، انتخاب رنگهای آرام و طبیعی و ترکیب بجا و ترسیم شکلهای از یک سو نماینگر تخیلات نقاش در تجسیم زیباییهای طبیعت و موجودات جاندار است و از سوی دیگر گویای اندیشههای عرفانی و نمایشگر دنیائی از وحدت و جلوههای نفسانی است و این دو خصیصه ظاهری و معنوی آنچنان زیبایی و دلپذیری (Joie et Grâce) به مینیاتور ایرانی داده است که مینیاتور هیچ کشوری با آن قابل مقایسه نیست.

سپس استاد از بلای بزرگی که گریبانگیر این هنر شده است سخن گفت و اضافه کرد: «افسوس که این هنر نیز بمانند بسیاری از هنرهای انسانی دیگر گرفتار میکرب تجارت و سودجویی سوداگران گردیده، و تجارت بمانند موریانه‌ای بجان این هنر افتاده و آنرا از اوج قداست و زیبایی معنوی که حاصل

نماینگر قهر و خشم طبیعت و یا باد و طوفان و کوههای سربلک کشیده و کم آرایش می‌باشد، و هیچیک از این حالات زیبایی مینیاتور ایرانی و تأثیر عرفانی و روحانی آن را ندارد».

«نقاشان مینیاتور ایرانی کوشش نموده‌اند در ساختن زمینه و بکار بردن رنگهای طلائی و نیلگون سپس مناظر طبیعی از چشمه‌سارها، درختها، بلندبها و تپه‌ها، بناهای باکاشی تزیین شده آنگاه پرندگان و انسانها در ترسیم هر یک از اینها کوشش داشته‌اند زیباییهای طبیعت و جلوه‌های خندان و شکوفای آنرا بانقش صورتهایی که مالا مال از شادی و چشمهایی که پر از وجد و امید است بر روی کاغذ آورده و ترسیم نمایند».

«خیال شاعرانه و عارفانه نقاش مینیاتور ایرانی از ترسیم سایه اجسام گریز داشته، و تاریکی در مینیاتور ایرانی وجود

رنج هنرمندانی چون بهزاد و آقا میرک - ندیمان مجالس بزرگان - بوده به کوچه و بازار کشانده است.

استاد با قرار دادن ذره بین کوچکی بر گوشه یکی از تابلوهای مینیاتور ایرانی از من خواست که با دقت به بینم دریک سانتیمتر مربع چند رنگ با گردشهای مختلف قلم و با چه ظرافت و دقتی کنار هم قرار گرفته است. استاد راسم اضافه کرد: آری آنان عزیزترین عضو یعنی چشم و دید خود را خسته کردند و احياناً از دست دادند تا آثاری بوجود آید که قرنها و قرنها هر بیننده‌ی باذوقی را تحت تأثیر و مجذوب قرار دهد، حالا نیز باید هنرمندان جوان ایرانی مکتب و هنر مینیاتور را فقط بخاطر هنر و برای حفظ این میراث گرانبها دنبال کنند و نه برای تجارت و سودجویی.

در دیدارهای دیگر از استاد و هر بار آرزوی خود را برای دیدن ایران از نزدیک تکرار میکرد، و افسوس میخورد که نتوانسته بود به دعوتی که از او شده بود برای دیدن ایران بعزت کسالت و پیری جواب مثبت دهد.<sup>۱۷</sup>

#### مرگ غم انگیز استاد

در دیدار استاد سؤال کردم چرا تعدادی از تابلوهای مینیاتور خود را در منزل نگهداری میکند، آیا بهتر نیست که این تابلوها در دانشکده هنرهای زیبا و یا در موزه‌های الجزائر نگهداری شود؟

در جواب سؤال من از کثرت علاقه خود نسبت به تابلوهای موجود در منزل و ترس از اینکه در حفاظت و نگهداری آنها در مراکز عمومی کوتاهی شود مطالبی گفتم.

ولی افسوس که عشق و علاقه مفرط به این چند قطعه مینیاتور سبب شده که استاد و همسر و فادارش جان خود را بر سر آن از دست بدهند.

شامگاه روز شنبه ۵ آوریل ۱۹۷۵ (۱۶ فروردین ۱۳۵۴) دزد نا جوانمردی برای سرقت آثار هنری استاد راسم بمنزل او داخل می‌شود، و چون استاد با تمام ضعف و پیری کوشش میکند که مانع سرقت تابلوها شود او و همسرش هردو و یکی پس از دیگری بیرحمانه و بصورت فجیعی بقتل میرسند، و خون ناحق آنان آخرین رنگ و جلوه را به تابلوهای مینیاتور این هنرمند ایران دوست الجزائری داد و عشق واقعی او را به این هنر به ثبوت رساند.

#### استاد راسم از دید هنرمندی ایرانی

در گفتگویی با نقاش مینیاتور معاصر استاد فرشچیان و ارائه چند تابلو از کارهای «محمد راسم» نظر ایشان را

خواستم نامبرده بابررسی و دقت دریک يك تابلوهای ارائه شده و تجزیه و تحلیل سبک و روش محمد راسم پرداخت و از قدرت او در ترسیم و رنگ آمیزی تابلوی نیروی دریائی بارباروس و نیز دسته‌های گل و حاشیه‌سازی تمجید نموده و تأیید می‌کردند که (هر چند استاد راسم از مکتب ترکی «بیزانطینی» برخاسته ولی) سبک و روش نقاشان مینیاتور ایرانی بر فکر و قلم او نفوذ و تأثیر فراوان گذاشته است.

#### نورالدین آل علی

برای تحقیق بیشتر به کتابها و مقالات زیر که در تهیه این مقاله مورد استفاده بوده است مراجعه شود:

- ابن غسدری مراکشی: البیان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب تحقیق ژ. س. کولان.

ولوی پروتسال پاریس ۱۹۴۸ ج ۲.

- ابن واضح: صفة المغرب، ترجمه و تحقیق دی خویه.

بریل لیدن ۱۸۶۰ م.

- دکتر احمد بهمنش: تاریخ یونان قدیم چاپ دانشگاه

تهران ۲ ج.

- رقیق قیروانی: تاریخ افریقیة والمغرب. تحقیق منجی الکعبی. تونس ۱۹۶۸.

- لوی پروتسال: حضارة العرب فی الاندلس ترجمه عربی ذوقان قرقوط. بیروت بی تاریخ.

۱۷ - این یادداشتها از چندسال پیش گرد آمده بود و قصد داشتم از استاد و تابلوهای او عکسهائی تهیه نمایم، ولی افسوس روز یکشنبه در مسافرت به الجزائر بار دیگر با استاد راسم ملاقات نموده و از برخی ۱۷ فروردین ۵۴ و روزی که از رباط به الجزیره میرفتم خبر قتل استاد را از رادیو شنیدم و تأسف بسیار خوردم.

#### “Pélerinage à la Maison Sacrée d'Allah”

ANGELI (Louis-Eugène)

— L'Art de la miniature et Mohammed RACIM

- ALGERIA No. Noël 1954 - pp. 46-53.

BAGHLI (Sid Ahmed)

— Mohammed RACIM, miniaturiste Algérien

2<sup>e</sup> ed - FRANCE - 1972.

DINET (Etienne-Nasr-Eddine) et BEN BRAHIM

(Sliman)

— La vie de Mohammed, prophète d'Allah

Décoration de M. RACIM Ed. PIAZZA

- PARIS - 1917.

DINET (E. Nasr-Eddine) et BEN BRAHIM (Sliman)

— Khadra, danseuse d'Ouled Naïl Décoration de

- RACIM, ALGER 1960.
- MARÇAIS** (Georges)  
— Mohammed RACIM et la Renaissance de la miniature  
Documents Algériens No. 530 - Juin 1946.
- ROBERT** (Claude-Maurice)  
— Nasr-Eddine DINET, peintre musulman français  
Revue ALGERIA - Juin 1950.
- OUZGANE** (Amar)  
— Le meilleur Combat  
Juillard PARIS 1962.
- VITERAC** (Henri)  
— Mohammed RACIM: La revue, Modern  
PARIS Mars 1934 pp. 9-10.
- M. RACIM Ed - PIAZZA - PARIS 1926.
- DINET** (Mme. Rollinece)  
— La vie de E. DINET  
Ed. Lib. Maisonneuve - PARIS - 1938.
- MARÇAIS** (Georges)  
— La miniature musulmane  
Imp. Officielle ALGER 1960.
- MARÇAIS** (Georges)  
— L'Art musulman  
P.U.F. PARIS 1962.
- MARÇAIS** (Georges)  
— L'art musulman d'Algérie  
A. Jourdan - ALGER - 1909-1916.
- MARÇAIS** (Georges)  
— La vie musulmane d'hier-vue par Mohammed

( Dinet: Tableaux de la Vie Arabe: اقتباس از کتاب: Dinet اثر دینه زنان عرب اثر دینه )

